

آشنائی با مجامع قضائی بین‌المللی (قسمت پایانی)

حکم دیوان باید متضمن دلایلی باشد که رأی بر پایه آن دلایل استوار است و برطبق ماده ۹۵، قواعد مربوط به دیوان دادگستری بین‌المللی می‌بایست مطابق با قواعد شکلی (قواعد دادرسی دیوان) صادر شده باشد و وفق ماده ۶۴ اساسنامه، هزینه دادرسی به وسیله خود دیوان معین می‌شود. به عبارت دیگر هر یک از اصحاب دعوی می‌بایست متکفل هزینه‌های دیوان باشند و مطابق ماده ۵۹ اساسنامه، دیوان در صورت عدم حضور هر یک از اصحاب دعوی می‌تواند به لحاظ نکول هر یک از طرفین مبادرت به صدور حکم نماید.^(۲)

حکم صادره توسط رئیس دیوان و مدیر دفتر شعبه امضاء شده و مطابق با ماده ۵۸

احکام دیوان دادگستری بین‌المللی

۱- ماده ۵۴ اساسنامه دیوان، احکام دیوان براساس بررسی‌های مخفی و شخصی پس از انجام رسیدگی حضوری و کتبی صادر می‌گردد. دیوان در هنگام صدور رأی، نصاب اکثریت آراء قضات حاضر را مدنظر قرار می‌دهد در صورت تساوی آراء مطابق ماده ۵۵ اساسنامه دیوان، رأی گروهی قبول می‌شود که رئیس دیوان دادگستری بین‌المللی جزء آن باشد. دیوان نمی‌تواند در احکام خود پای را از محدوده خواسته ارائه شده توسط اصحاب دعوی فراتر گذارد و نیز نمی‌تواند از حدود صلاحیت خود در تقاضاهای یکجانبه پیشتر رود.^(۱)

(۱) - اشاره به قاعده *ne ultra petita* است زیرا دیوان با توجه به قاعده مزبور در مرز خواسته دعوی حرکت

می‌نماید برای مطالعه بیشتر رجوع شود به دعاوی:

a - The Corfu Channal Case 1984

b - Haya de la Torre case 1951.

(۲) - این موارد را می‌توان در دعاوی صلاحیت ماهگیری انگلیس علیه ایسلند و دعوی آلمان علیه ایسلند در ۱۹۷۴ و دعوی

مأمورین سیاسی کنسولی آمریکا در ایران به سال ۱۹۸۰ مشاهده کرد.

مکلفند آن اصول را با حسن نیت مراعات نمایند. احکام اجرائی: آن دسته از احکام دیوان دادگستری بین‌المللی است که بدواً جبران خسارت و بازگشت به وضع موجود قبلی را معین می‌کند.^(۲) و این جبران خسارت به نفع دولتی که از اقدام دولت دیگر برخلاف حقوق بین‌المللی ناشی شده صادر خواهد شد. درحقیقت دیوان دولت خاطی را مجبور به قبول تعهد یا اجتناب از رعایت یک اقدام خاص می‌نماید.

۲- اگر یک یا چند قاضی دیوان در موضوع مطروحه نظری برخلاف اکثریت قضات دیوان داشته باشد می‌تواند نظریه فردی خود را همراه حکم دیوان اعلام دارد. چنین تأسیس حقیقی متأثر از سیستم حقوقی کامن‌لا (Cammon Law) است که در آن سیستم بین قاضی و تصمیم ماهوی وی ارتباط خاصی وجود دارد. وجود چنین تأسیسی در سیستم دادگاههای جهانی مبین حفظ شخصیت قضات دادگاههای بین‌المللی است، زیرا حفظ این شخصیت باتوجه به انتخاب ویژه قضات یاد شده یکی از بزرگترین وظائف نهادهای بین‌المللی است. علاوه بر دیوان دادگستری بین‌المللی، اعلام نظریه انفرادی، در قلمرو داوری بین‌المللی نیز مشاهده می‌شود، لیکن معمولاً چنین نظراتی در داوری بین‌المللی در کنار احکام داوری انتشار نمی‌یابد به عنوان

اساسنامه، رأی مذکور می‌بایست در جلسه علنی دیوان قرائت گردد و با جری تشریفات یاد شده رأی مذکور برای اصحاب دعوی لازم‌الاجراء است.

دیوان می‌تواند احکام اعلامی و نیز احکام اجرائی صادر نماید. احکام اعلامی درحقیقت تصمیم‌گیری دیوان در خصوص مسائل مربوط به صلاحیت خود در رسیدگی ماهوی به دعوی و سایر مسائل مربوط به آن است و نیز تفسیر معاهدات بین‌المللی، وجود یا عدم وجود اصول حقوقی و ارتباط آنها با یکدیگر و نیز نقض تعهد در مورد یک حق بین‌المللی جز این دسته از احکام است. دیوان همچنین در احکام خود ممکن است خود را فاقد صلاحیت اعلام نماید. مثلاً دیوان در قضیه فلات قاره دریای اژه (به سال ۱۹۷۸) چنین اقدامی را انجام داد. دیوان همچنین می‌تواند به این علت که مورد اختلاف، قبلاً بعنوان نتیجه رفتار خوانده مورد رسیدگی قرار گرفته خود را فاقد صلاحیت اعلام نماید.^(۱)

دیوان در پاره‌ای از دعاوی، به لحاظ ذات و ماهیت دعوی اتخاذ تصمیم ننموده است، بلکه طرفین را ملزم نموده تا راه‌های حل اختلاف را باتوجه به شرایط ویژه آنان، نظیر گفتگو جستجو نموده و اختلافشان را حل نمایند، دیوان برای انجام چنین کاری اصولی را فرا روی خود قرار داده است که اصحاب دعوی

(۱)- نظیر این موارد را می‌توان در دعاوی فلات قاره دریای شمال و دعاوی صلاحیت ماهیگیری مشاهده نمود.

(۲)- نام این جبران خسارت اصطلاحاً جبران خسارت و پرداخت غرامت به لحاظ اقدام خلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد که

Conpensation or reparation for Internationally wrongful act

معادل انگلیسی آن عبارت است از:

مورد تأیید قرار گرفته، می‌باشد. در نظریات شخصی نسبت به احکام دیوان دائمی دادگستری که متمایل به اعلام نظریه درخصوص مسائل مستحدثه است با دیدگاه آینده‌نگر می‌تواند قضات را در آینده به ماهیت رأی هدایت نماید. این نظریات که متناوباً صادر گردیده تا حدود قابل توجهی فاقد قدرت استدلالی است، لیکن این موضوع نمی‌تواند باعث کاهش ارزش احکام صادره از دیوان گردد. به عبارت دیگر ضعف تعدادی از نظریات شخصی را شاید بتوان در جهت تقویت نظر اکثریت بکار برد و به ندرت تعدادی از نظریات شخصی متضمن قدرت استدلالی در موضوعات حقوقی است، لیکن در مسائل سیاسی وضع شکل دیگری دارد.

- حکم دیوان از لحاظ شکلی و ماهوی واجد خصلت اجرائی بوده و فقط نسبت به اصحاب دعوی و نسبت به مورد خاص لازم‌الرعایه است.^(۵) دول ثالثی که در محاکمات مربوط به تفسیر کنوانسیون یا معاهدات چندجانبه شرکت دارند، ملزم به اجرای مفاد حکم خواهند بود. الزام‌آور بودن یا نبودن حکم دیوان دادگستری بین‌المللی، باتوجه به حقایقی که در زمان صدور حکم مدنظر بوده است، توسط خود حکم معین خواهد شد. در هر صورت

نمونه‌ای یازر در این خصوص می‌توان به داوری قضیه آلاباما (به‌سال ۱۸۷۲) و داوری ماهیگیری سواحل آتلانتیک شمالی (به‌سال ۱۹۱۰) اشاره کرد. چنین امکانی^(۱) در ماده ۵۲ کنوانسیون درخصوص حل مسالمت‌آمیز اختلافات (۱۸۹۹) به قضات این امکان را می‌دهد تا در هنگام امضاء احکام، نظر خود را اعلام دارند.^(۲) پاره‌ای از حقوقدانان اعتقاد دارند که انتشار عقاید شخصی، نقض مقررات مندرج در ماده ۵۴ اساسنامه است که به موجب آن تصمیمات دیوان می‌بایست سرّی باشد، لیکن این نقطه‌نظر با اصل سرّی بودن در تعارض نیست و نتیجه‌اش فقط منحصر به همان دعوی می‌باشد. از خلال تفسیر ماده ۵۷ و نیز رویه عملی دیوان دادگستری دو نوع نظریه شخصی به‌وجود است.

الف - نظریه جداگانه:^(۳) که مبتنی بر دلایلی که حکم براساس آن صادر شده می‌باشد. در این نظریه قاضی دارای نظر جداگانه، نتیجه حکم را قبول دارد لیکن دلایلی را که براساس آن حکم دیوان صادر گردیده، قبول ندارد.

ب - عقیده مخالف:^(۴) که مبتنی بر عدم موافقت قاضی مذکور با مفاد حکمی که توسط اکثریت قضات دیوان دادگستری بین‌المللی

(۱) - مقصود ارائه نظر شخصی در کنار نظر اکثریت می‌باشد.

(۲) - هرچند این موضوع در تجدیدنظر کنوانسیون مذکور به‌سال ۱۹۰۷ مراعات نگردید، برای مطالعه بیشتر رجوع شود به متون کنوانسیون‌های صلح لاهه به‌سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷.

(3) - dissenting opinion.

(4) - separate opinion.

(۵) - مطابق با ماده ۵۹ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی.

درموردی که یکی از اصحاب دعوی باشند به موقع اجراء گذارند. مقررات مندرج در بند ۲ ماده ۹۴ منشور ملل متحد که مرتبط با اجرای احکام دیوان است نه تنها اعضای ملل متحد بلکه برکشورهای غیرعضو سازمان ملل متحد که اساسنامه دیوان را پذیرفته‌اند نیز اعمال میگردد. هرگاه یکی از اصحاب دعوی تعهداتی را که به موجب حکم دیوان بر وی تحمیل میگردد، اجراء ننماید طرف دیگری میتواند به شورای امنیت سازمان ملل متحد مراجعه نماید و شورای امنیت بنابه صلاحدید خود می‌تواند مبادرت به صدور توصیه‌نامه نماید یا اینکه تصمیم بگیرد به چه نحوی حکم یاد شده را به موقع اجراء گذارد.^(۲)

امکان اجرای حکم برعلیه طرفی که قصور ورزیده محدود می‌باشد زیرا فقط معیارهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که با قواعد مندرج در فصل ۶ منشور ملل متحد مربوط به حل اختلاف مرتبط می‌باشد و معیارهای خشن و تند، به‌ویژه مجازات‌های مقرر در فصل ۷ منشور (که به خطر افتادن صلح جهانی شرط اصلی تحقق آن است) قبل از توسل به مقررات فصل ۶ منع گردیده است در هرحال تصمیمات شورای امنیت بااستثنای مواردی که مربوط به موضوعات شکلی است پارعايت حق وتو^(۳) اعضا دائم شورای امنیت اتخاذ می‌گردد.

وفق ماده ۶۰ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، حکم صادره قابل تجدیدنظرخواهی نمی‌باشد.

مقررات یاد شده، در اوضاع و احوالی که ممکن است تا مدتها استمرار داشته باشد، قابل اعمال نخواهد بود به‌عنوان مثال اگر حکمی به‌ر صورتی کارائی خود را از دست بدهد دیوان از طریق تجدیدنظر در دادرسی میتواند حکم صادره را اصلاح نماید، طرفی که حکم برعلیه وی صادر شده است الزاماً می‌بایست حکم را به موقع اجراء گذارد اما اصحاب دعوی می‌توانند به جای اجرای حکم صادره که برعلیه یکی از آنان صادر گردیده، ضمن بیانیه مشترکی معضل خود را به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند فقط مثالهای بسیار نادری از عدم همکاری یا تظاهر به عدم تبعیت از حکم دیوان دادگستری بین‌المللی را در رویه دولتها مشاهده می‌نمایم.^(۱)

- سازمان ملل متحد، به منظور اجرای حکم دیوان دادگستری بین‌المللی مقرراتی را وضع نموده است که از سلف خود (دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی) به مراتب توسعه یافته‌تر می‌باشد، وفق اصل مندرج در بند ۲ ماده ۲ منشور ملل متحد و بند ۱ ماده ۹۴ کشورهای عضو سازمان ملل متحد، موظفند تصمیم دیوان دادگستری بین‌المللی را

(۱) برای مثال می‌توان به عمل آلبانی در قضیه کانال کورفو (سال ۱۹۴۹)، کلمبیا در قضیه هایادولاتور (۱۹۵۱)

اشاره داشت.

(۲) - شورای امنیت می‌تواند، از طرق مختلف مبادرت به این کار نماید. مثلاً از طریق اعمال مجازات‌های مندرج در فصل

هفتم منشور ملل متحد.

(۳) - برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله «حق وتو» نوشته همکار گرامی آقای عزت‌اله مجدلی‌نسب در مجلس حقوقی

قضائی دادگستری شماره ۱۲ و ۱۴.

در هنگام صدور رأی اصحاب دعوی و دیوان نسبت به آن جاهل بوده باشند مطابق ماده ۶۱ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی می‌تواند تقاضای اعاده دادرسی بنماید، تقاضای اعاده دادرسی نباید بیش از ۶ ماه از حدوث حقیقت جدید، به دیوان دادگستری بین‌المللی ارائه شود، و همچنین اعاده دادرسی می‌بایست در ظرف ده سال پس از صدور حکم تقدیم دیوان دادگستری بین‌المللی گردد. در صورتی که نتیجه اجرای موضوع مثبت باشد، اعاده دادرسی می‌بایست در قالب صدور حکم جدید تحقیق یابد که در آن حقیقت جدید ثبت گردیده و باید علت اعاده دادرسی و نیز اثر حقیقت کشف شده در اعاده دادرسی دقیقاً اعلان گردد، در صورتی که دیوان چنین رابطه‌ای را کشف ننماید اعاده دادرسی را به موجب حکم جدید رد می‌نماید.

ه‌آراء مشورتی

دیوان دادگستری بین‌المللی، می‌تواند به درخواست نهادهای سازمان ملل متحد و نیز آژانس‌های تخصصی آن سازمان در موضوعات حقوقی، مبادرت به صدور نظریه مشورتی نماید در حقیقت دیوان، در هنگام صدور رأی مشورتی به عنوان نهاد اصلی قضائی سازمان ملل متحد اقدام به چنین عملی می‌نماید این اقدام دیوان دادگستری بین‌المللی مشابه اقدام دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است، زیرا دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز در قبال مجمع

اگر قبل و یا در هنگام اجرای حکم بین دول مربوطه اختلافی در مفهوم و قلمروی حکم حادث شود تفسیر حکم براساس قرارداد ویژه منعقد بین اصحاب دعوی یا به وسیله تقاضای يك‌جانبه (که به ندرت ارائه می‌شود) صورت می‌گیرد. تفسیر معمولاً در قالب يك حکم اتخاذ خواهد شد و نمی‌بایست تفسیر یاد شده از محدودهٔ تصمیم اصلی فراتر رود، با توجه به این موضوع، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تفسیری از تصمیم ماخوذه در قضیه منافع آلمان در سیلیزیای علیا (لهستان) سال ۱۹۲۷^(۱) ارائه نمود عنوان تفسیر یاد شده، عبارت بود از:

«این تفسیر هیچ چیز اضافی به تصمیمی که الزام‌آور است نمی‌افزاید و فقط در محدوده آنچه که در حکم صادره قید شده لازم‌اراعیه است.»

دیوان دادگستری بین‌المللی، در حکم ۲۵ نوامبر ۱۹۵۰ خود، در تفسیر اولین حکم صادره در خصوص قضیه هایادولاتور به لحاظ اینکه کلمبیا تقاضائی برای تفسیر ارائه نداده بود ولی به علت اینکه تقاضائی برای تصمیم‌گیری در خصوص سوألی که در حکم تعبیر نشده بود، ارائه نموده بود، مبادرت به صدور تفسیر می‌نماید.^(۲)

— اگر یکی از اصحاب دعوی، حقایق جدیدی را که تأثیر قطعی بر ماهیت حکمی که قبلاً صادر شده، کشف نماید به نحوی که

(1)- "German Interests in polish upper silesia" in picj A-13, P 21.

(2)- Icj Reports 1950, P 395.

ملل متحد صورت تحقق به خود گرفته است که تقاضای رأی مشورتی از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد بوده است. يك فقره به درخواست شورای امنیت سازمان ملل متحد و يك فقره دیگر به وسیله درخواست سازمان علمی، فرهنگی ملل متحد (UNESCO) و فقره دیگر به درخواست سازمان دریانوردی بین‌المللی (IMCO) و آخرین فقره به درخواست سازمان بهداشت جهانی (WHO) بوده است.

وفق ماده ۶۵ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، موضوع درخواست نظریه مشورتی از جانب مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند «هر مسئله حقوقی» بدون هیچگونه محدودیتی باشد - همانگونه که به موجب ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل، هر اختلاف یا مسئله‌ای قابلیت ارجاع به دیوان دائمی دادگستری به منظور صدور نظریه مشورتی داشته است.

درخواست‌های سایر نهادها و ارگان‌های تخصصی سازمان ملل متحد فقط ناظر بر مسائل حقوقی است که در محدوده کاری آنان وفق ماده ۹۶ منشور ملل متحد قرار دارد.

مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانند درخواست صدور نظریه مشورتی درخصوص ساختار مقررات منشور ملل متحد نمایند.^(۲)

و شورای جامعه ملل مبادرت به صدور نظریه مشورتی می‌نمود در جریان بحث و تبادل نظر درخصوص منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، حقوقدانان عنوان نمودند که جریان صدور رأی مشورتی از جانب دیوان دادگستری بین‌المللی در چهارچوب نهاد قضائی سازمان ملل متحد می‌بایست گسترش یافته و محدودیتی را دربر نداشته باشد. ابتدائی‌ترین حقوق نهادی اصلی سازمان ملل متحد (مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت) درخواست صدور رأی مشورتی از جانب دیوان دادگستری بین‌المللی است. مستنبط از ماده ۹۶ منشور ملل متحد و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی کمیته‌های مقدماتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد^(۱) (اکوسوک، شورای قیمومت) می‌توانند درخواست رأی مشورتی از دیوان دادگستری بین‌المللی نمایند قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و موافقتنامه منعقد بین سازمان ملل متحد و مؤسسات ذیربط به تمامی نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد با استثنای اتحادیه جهانی پست، حق درخواست رأی مشورتی از دیوان دادگستری بین‌المللی را اعطاء نموده است.

از ۱۶ نظریه مشورتی ارائه شده توسط دیوان دادگستری بین‌المللی تا سال ۱۹۸۰، ۱۳ فقره آن به درخواست مجمع عمومی سازمان

(1)- The Economic and Social Council (Ecosoc).

(۲)- همانگونه که این کار درخصوص تفسیر مقررات پذیرش عضو در سازمان ملل متحد موضوع ماده ۴ منشور ملل متحد صورت گرفته است برای مطالعه بیشتر رجوع شود به قضایای:

Advisory opinion about:

"Admission of a state to membership in united Nations (28.5.1945 and 3.3.1950)